

بیهقی، اولین خبرنگار تمام‌عیار ایرانی

اصغر بیرانوند*

دکتر جمیله اخیانی**

چکیده

در حالی که روز‌عمر دنیا، به هزارهٔ سوم رسیده و دست‌یابی به اخبار و حواشی به کمک وسایل ارتباطی، عادی شده‌است، در قرن پنجم ه‍.ق. ابوالفضل بیهقی کاری را بنیان نهاده که هم‌اکنون جدیدترین روش‌های خبری و خبرنگاری بر پایهٔ آن استوار است؛ به عبارت دیگر او که استعداد فوق‌العاده‌ای در مشاهده و ثبت جزئیات و صحنه‌آرایی و به تصویر کشیدن دارد، به معنای واقعی پایه‌گذاری چیزی در ادبیات بوده که امروز خبرنگاری می‌نامیم. در این مقاله، کوشش شده‌است تاریخ بیهقی از منظر «خبرنگاری» بررسی و بیهقی به‌عنوان اولین خبرنگار تمام‌عیار ایرانی معرفی شود.

کلیدواژگان: تاریخ بیهقی، خبرنگار، خبر، تقویم، معاینه.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

* دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه زنجان

** استادیار دانشگاه زنجان

«در دیگر تواریخ، چنین طول و عرض نیست که احوال را آسان‌تر گرفته‌اند و شمه‌ای بیش یاد نکرده‌اند؛ اما من چون این کار را پیش گرفتم، می‌خواهم که داد این تاریخ به‌تمامی بدهم و گرد زوایا و خبایا برگردم تا هیچ چیز از احوال پوشیده نماند و این اخبار به این اشباع که من برانم از آن است که در آن روزگار معتمد بودم و بر چنین احوال کسی از دبیران واقف نبود و این لافی نیست که من می‌زنم و بارنامه‌ای نیست که می‌کنم؛ بلکه عذری است که به سبب این تاریخ می‌خواهم که می‌اندیشم نباید صورت بنده خوانندگان را که من از خویشتن می‌نویسم» (بیهقی: ۵۰-۴۹).

شاهکار تاریخ بیهقی، تنها تحریر روزگار به سرآمده گروهی معاصر نویسنده و ذکر تاریخ حکومت پادشاهان غزنوی و چگونگی سلطنت و فرمانروایی آن‌ها نیست؛ بلکه این اثر سترگ و ورجاوند فراتر از حد معمول، آینه تمام‌نمای زندگی پادشاهان و روابط سیاسی و اجتماعی درباریان و حوادث پشت پرده مربوط به این روابط، از حسادت‌ها و دو به هم‌زنی‌ها گرفته تا قراردادهای آشکار و پنهان و چگونگی شکل‌گیری این روابط است. از این رو در این کتاب ویژگی‌هایی را می‌بینیم که در هیچ یک از دیگر کتب تاریخی به چشم نمی‌آید.

درباره تاریخ بیهقی سخن بسیار گفته شده و هر یک از پژوهشگران کوشیده‌اند تا از زاویه‌ای خاص این اثر را تحلیل کنند و بخشی از عظمت آن را بنمایانند. برخی حقیقت‌پژوهی بیهقی را ستوده و او را آیتی بزرگ در ضبط و بیان و نگارش حقایق تاریخی شمرده، نامش را زینت‌بخش تاریخ ادب و فرهنگ ایران دانسته‌اند (فرزام، ۳۹۳) و بعضی توجه خود را به قدرت نویسندگی او معطوف کرده‌اند؛ مانند دکتر یوسفی که هنر بیهقی را در این می‌داند که تاریخش در عین حقیقت‌پژوهی و نمایش حقیقت، به صورت رمانی گیرا نوشته شده است (یوسفی: ۸۰۳). برخی نیز به تفاوت سبک و سیاق

تاریخ‌نگاری او با دیگر تواریخ گذشته پرداخته و از این دیدگاه آن را کاویده‌اند؛ چنان‌که دکتر اسلامی ندوشن او را فراتر از یک تاریخ‌نویس یا وقایع‌نگار معمولی و نویسنده‌ای با جهان‌بینی خاص می‌داند که جهان‌بینی‌اش در سراسر کتابش جلوه‌گراست (اسلامی ندوشن: ۱) و یا محمد پروین گنابادی که معتقد است بیهقی با شناخت اجتماع خود، پدیده‌های زندگی روزگار خویش را با موشکافی و دقت و امانت و سادگی همچون آینه‌ای تابناک نمودار کرده‌است (پروین گنابادی: ۱۰۴) و نیز دکتر نورانی وصال که بیهقی را کسی می‌داند که گوشه‌های تاریک تاریخ آن روزگار را روشن کرده، وضع جامعه آن روز را از دیدی وسیع و نظری گسترده بیان داشته‌است (نورانی وصال: ۷۲۷). بعضی نیز او را بنیان‌گذار شیوه علمی در امر تاریخ‌نویسی دانسته (بینش: ۹۱) و یا علاوه بر سرمشق تاریخ‌نویسی، تاریخ بیهقی را گنجی از معلومات ادبی و وضعیت اجتماعی معرفی کرده‌اند (همايون: ۷۷۸).

۲۳ چنان‌که ملاحظه می‌شود، همه این بزرگان، به‌درستی بیهقی را به‌عنوان یک تاریخ‌نگار، پژوهشگر و حقیقت‌یاب ستوده، تلاش او را فراتر از یک تاریخ‌نگار معمولی ارزیابی کرده‌اند؛ تلاش و تکاپویی که موجب شده تاریخش «به لونی دیگر» درآید؛ اما آنچه مورد نظر نگارندگان است و گمان می‌کنند تا به حال به این جنبه کار بیهقی پرداخته نشده، توجه به «خبرنگاری» بیهقی است. بیهقی در عین حال یک خبرنگار هم هست. آنچه او در کار کسب و ضبط و پخش خبر انجام داده، با مدرن‌ترین اصول خبرنگاری دنیای امروز مطابقت دارد. این نوشته به بیهقی به‌عنوان اولین خبرنگار ایرانی توجه کرده و کتاب او را از زاویه کار خبرنگاری کاویده‌است.

خبر چیست و خبرنگار کیست؟

از واژه خبر، تعاریف گوناگونی ارائه شده‌است، لیل اسپنسر^۱ (مؤلف کتاب خبرنگاری)، خبر را شامل هر عمل و اندیشه واقعی‌ای می‌داند که برای عده کثیری از

خوانندگان جالب باشد. میچل. وی. چارنلی^۲ (استاد روزنامه‌نگاری دانشگاه مینه سوتای آمریکا) در کتاب خبرنگاری می‌نویسد:

«خبر گزارش مناسب، خلاصه و دقیق یک رویداد است و نه خود رویداد و فرناندو ترو^۳ (رئیس و استاد انستیتوی مطبوعات دانشگاه پاریس) در یکی از کتاب‌های خود به نام خبر، خبر را عبارت از انتشار منظم جریان وقایع و آگاهی‌ها و دانش‌های انسانی و نقل عقاید و افکار عمومی معرفی می‌کند» (نصراللهی: ۳۴).

تعاریف دیگری نیز از خبر ارائه شده‌است، بعضی معتقدند خبر الزاماً رویدادی جاری نیست؛ بلکه رویدادهای آینده را نیز شامل می‌شود و برخی دیگر خبر را شامل رویدادهای گذشته می‌دانند، هم‌چنان‌که گروهی، انعکاس فعالیت‌ها، موضع‌گیری‌ها و عملکردهای دولت‌مردان را خبر می‌شمارند (همان: ۳۵).

خبر باید به تمام سؤالات ایجادشده در ذهن مخاطب پاسخ گوید؛ سؤالاتی که عناصر شش‌گانه «خبر» را تشکیل می‌دهند و عبارتند از: که؟ (who) کجا؟ (where) کی؟ (when) چه؟ (what) چرا؟ (why) چگونه؟ (How) (همان: ۷۳) و اگر یکی از این سؤالات بدون جواب باشد و کوچک‌ترین ابهامی در ذهن مخاطب بر جای بماند، خبر ناقص و فاقد شرایط خبری است و از ارزش و اعتبار ساقط می‌شود.

اگر کتاب بیهقی را بر مبنای این تعاریف از «خبر» و شرایط آن بررسی کنیم، ملاحظه می‌کنیم که اخباری که بیهقی نقل کرده‌است، می‌تواند با تعاریف امروزی «خبر» نیز تطبیق کند؛ چنان‌که بنا بر تعریف اسپنسر، خبر شامل اعمال و اندیشه‌هایی است که در طول تاریخ برای عده‌ی کثیری از خوانندگان جالب بوده و به تعبیر چارنلی گزارش مناسب، خلاصه و دقیق رویدادها و در عین حال، انتشار منظم جریان وقایع در دوره‌ای خاص از تاریخ ایران بوده‌است و به سؤالات ذهنی مخاطبان به خوبی پاسخ داده‌است.

اکنون به این موضوع بپردازیم که خبرنگار کیست و چه ویژگی‌هایی را باید دارا باشد. بعضی خبرنگار را: «آن‌که کارش گردآوری و تهیه خبر برای روزنامه‌ها، مجلات و خبرگزاری‌هاست» تعریف کرده‌اند (انوری) و محصول کار خبرنگاران را «مطلب خبری» نامیده‌اند (همان). بدیهی است که واژه‌هایی مثل خبرنگار، خبرگزاری و مجله در گذشته وجود نداشته‌اند و روزنامه و مجله محصول اندیشه بشر امروزی است. شاید قدیمی‌ترین واژه‌های نزدیک به واژه خبرنگار، «وقایع‌نگار» و «وقایع‌نویس» باشد، که به کسانی گفته می‌شده که کار آن‌ها نوشتن و ضبط وقایع مربوط به سلطنت بوده‌است (دهخدا). تعریفی که از این واژه‌ها در فرهنگ‌ها آمده‌است، طبیعتاً شامل تاریخ بیهقی هم می‌شود؛ اما چیزی که موجب شهرت و گیرایی این اثر شده، تنها ثبت وقایع و سرگذشت سلطنت و ذکر تاریخ پادشاهی نیست؛ بلکه تلاش‌ها، تکاپوها و مرارت‌های بیهقی برای کسب خبر و کشف حقیقت است؛ تلاش‌هایی که منجر به بروز ویژگی‌هایی در او شده که با شرایط ارائه‌شده برای یک خبرنگار حرفه‌ای از سوی مدرن‌ترین و حرفه‌ای‌ترین خبرگزاری‌های امروزی مطابقت دارد؛ مثلاً خبرگزاری رویترز، ده ویژگی را برای یک خبرنگار لازم دانسته‌است:

(۱) در ذکر منابع مهارت داشته باشد؛ (۲) در صحنه حاضر باشد و به استقبال خطر برود؛ (۳) اجزای خبر را مثل یک فرش ببافد؛ (۴) دنبال جزئیات باشد؛ (۵) ارتباط خوب داشته باشد؛ (۶) جملات کوتاه بنویسد؛ (۷) به دنبال نقل قول‌های طلایی باشد؛ (۸) ویرایش کند؛ (۹) منصف باشد و غرض‌ورزی نکند؛ (۱۰) حواسش جمع باشد و دقت کند.^۴

ویژگی‌های فوق را در بیهقی نیز به بهترین شکل مشاهده می‌کنیم. او نیز همه این شرایط را در خود جمع کرده و مانند خبرنگاری حرفه‌ای چنان گزارش جامعی از دربار غزنویان و رویدادهای مربوط به آن ارائه داده‌است که سال‌هاست

گزارش او موثق‌ترین منبع برای آگاهی از روزگار وی بوده‌است. برای روشن‌تر شدن موضوع، به بررسی شرایط مورد نظر رویترز و مقایسه و تطبیق کار بیهقی با این شرایط می‌پردازیم تا «خبرنگاری بیهقی، آشکارتر شود.

۱) در ذکر منابع مهارت داشته باشد:

اولین شرط رویترز برای یک خبرنگار خوب، مهارت در ذکر منابع است. همان چیزی که بیهقی نیز بر آن تأکید فراوان دارد. اخبار و گزارش‌های بیهقی عموماً از سه حال بیرون نیست:

الف) یا خودش در صحنه حاضر بوده و به‌عینه شاهد آن رویداد بوده‌است؛ چنان‌که در شواهد زیر می‌بینیم:

«و حسنگ را به پای دار آوردند... و دو پیک را ایستائیده بودند که از بغداد آمده‌اند و قرآن‌خوانان قرآن می‌خواندند. حسنگ را فرمودند جامه بیرون کش. وی دست اندر زیر کرد و ازار بند استوار کرد و پایچه‌های ازار را بیست و جبه و پیراهن بکشید و دور انداخت... و همه خلق بدرد می‌گریستند...» (بیهقی: ۱۹۷).

«و خواجه خلعت بپوشید و به نظاره ایستاده بودم...» (همان: ۱۶۹). «امیر مسعود رضی الله عنه برنشست در مهد پیل و به دشت شابه‌ار آمد... و من که بوالفضلم به نظاره رفته بودم و سوار ایستاده» (همان: ۲۸۶).

ب) یا از فردی ثقة و مورد اعتماد شنیده‌است و به تعبیر خودش: «از معتمدی که آن را به رأی‌العین دیده باشد» (همان: ۱۳۰)؛ چنان‌که در شواهد زیر می‌بینیم:

«من که بوالفضلم، کشتن قائد ملنجوق را به تحقیق‌تر، از خواجه احمد عبدالصمد شنودم» (همان: ۳۱۸). «از خواجه بونصر شنودم که بوسهل در سر سلطان نهاده بود که خوارزمشاه آلتون‌تاش راست نیست و او را به شبورقان فرو می‌بایست گرفت» (همان: ۳۰۵). «ستی زرین و عندلیب مرا حکایت کردند که به هیچ روزگار امیر آن تکلف نکرده بود و نفرموده...» (همان: ۴۰۳).

البته در مورد کسانی که خوانند اطلاعی درباره آن‌ها ندارد با توضیحات کافی سعی می‌کند منبع خبری خود را به خواننده شناسانده، اعتماد او را جلب کند؛ چنان‌که درباره عبدالغفار که ماجراهایی از کودکی و نوجوانی سلطان مسعود را از قول او نقل می‌کند، می‌گوید: «و او آن ثقة است که هر چیزی که خرد و فضل وی آن را سجل کرد به هیچ گواه حاجت نیاید» (همان: ۱۳۰)؛ هم‌چنان‌که در معرفی ستی زرین که اخبار مربوط به حرم‌سرا را - که طبیعتاً خود به آن راه ندارد- از او می‌گیرد، می‌نویسد: «من که بوالفضلم از ستی زرین مطربه شنودم و این زن سخت نزدیک بود به امیر مسعود چنان‌که چون حاجبه‌ای شد فرودسرا و پیغام دادی امیر او را به سراییان در هر بابی...» (همان: ۳۷۷).

ج) و یا در کتابی خوانده که معمولاً کتاب را نیز به خواننده معرفی می‌کند: «پیش از این به مدتی دراز کتابی دیدم به خط استاد ابوریحان و او مردی بود در ادب و فضل و هندسه و فلسفه که در عصر چنو دیگری نبود... چنین نشست بوریحان در مشاهیر خوارزم...» (همان: ۶۳۸). «خوارزم ولایتی است شبه اقلیمی هشتاد در هشتاد و آن‌جا منابر بسیار و همیشه حضرت بوده‌است علی حده، ملوک نامدار را چنان‌که در کتاب سیر ملوک عجم مثبت است که خویشاوندی از آن بهرام گور به آن زمین آمد که...» (همان: ۶۳۶) و «چنان‌که خواندم در اخبار سامانیان که...» (همان: ۶۰۹).

۲) در صحنه حاضر باشد و به استقبال خطر برود:

این شرط یکی از برجسته‌ترین شروط خبرنگاری است. امروزه خبرنگاران در همه صحنه‌ها، از میادین ورزشی، جشن‌ها و جشنواره‌ها یا رویدادهای خاص فرهنگی گرفته تا صحنه‌های سیاسی و حتی میدان‌های جنگ، در سرما و گرما حضور دارند و همه جا را تحت پوشش خبری قرار می‌دهند. بی‌هقی نیز تا حد امکان در صحنه‌های مختلف رویدادهای روزگار خویش، حضور می‌یافته تا همه

چیز را از نزدیک ببیند و بتواند وقایع را با جزئیات گزارش کند. او هم در مراسم رسمی حکومتی حاضر بوده؛ مراسمی مانند خلعت پوشیدن وزیران (همان: ۳۵۴ و ۱۶۹)؛ استقبال از رسول خلیفه (همان: ۷۵) و یا مراسم اعدام حسنگ (۲۳۵-۲۳۳) و هم با سلطان همراهی کرده و در سفرهای امیر مسعود حضور داشته و به همین دلیل توانسته است راه‌ها را هم توصیف کند:

«و امیر از ساری برفت تا به آمل رود و این راه‌ها که آمدیم و دیگر که رفتیم سخت تنگ بود» (همان: ۴۲۹) و هم وضعیت آب و هوایی و سختی‌هایی که در راه متحمل می‌شده‌اند:

«امیر از نشابور برفت به راه اسفراین تا به گرگان رود. روز یکشنبه دوازدهم ماه ربیع‌الاول و در راه سرما و بادی بود سخت به نیرو و من که بوالفضلم بر آن جمله دیدم که در سر این دره میازر حواصل داشتم و قبای روباه سرخ و بارانی و دیگر چیزها فراخور این بر اسب چنان بودم از سرما که گفتم هیچ چیز پوشیده ندارم» (همان: ۴۲۳).

او حتی در میدان جنگ هم حضور داشته و وقایع جنگی را گزارش کرده است: «و من جنگ مصاف این روز دیدم در عمر خویش، گمان می‌بردم که روز به چاشتگاه نرسیده باشد که خصمان را برچیده باشند لشکر ما...» (همان: ۵۳۴). علاوه بر این‌ها او همیشه مترصد اخبار تازه است. وقتی به او خبر می‌رسد که در شهر آشوبی به پا شده است، دفترش را برمی‌دارد و چونان خبرنگاری به سرعت خود را به صحنه می‌رساند تا چیزی را از دست ندهد:

«و من بر اثر استادم برفتم تا خانه‌ی خواجه بزرگ زحمتی دیدم و چندان مردم نظاره که آن را اندازه نبود. یکی مرد را گفتم که حال چیست؟ گفت: بویگر حصیری را و پسرش را خلیفه با جبه و موزه به خانه‌ی خواجه آورد...» (همان: ۱۷۶).

۳) اجزای خبر را مثل یک فرش بیافد:

منظور از این خصوصیت این است که خبر ترتیب و نظم لازم را دارا باشد؛ یعنی فاقد ابهام و نقطه تاریک باشد؛ به گونه‌ای که خواننده با خواندن یا شنیدن آن، از تمام جزئیات آن آگاه گردد. نمونه این ویژگی را در این خبر که در عین حال، دقت بیهقی را نیز به خوبی نشان می‌دهد، می‌توان دید:

«و فقیه بوبکر حصیری را در این روزها نادره‌ای افتاد و خطایی بر دست وی رفت در مستی که به آن سبب خواجه بر وی دست یافت و انتقامی کشید و به مراد رسید ... چنان افتاد که حصیری با پسرش ابوالقاسم به باغ رفته بودند، به باغ خواجه علی میکائیل که نزدیک است و شراب بی‌اندازه خورده و شب آنجا مقام کرده و آن‌گاه صبح کرده و صبح ناپسندیده است و خردمندان کم کنند و تا میان دو نماز خورده و آن‌گاه برنشسته و خوران خوران به کوی عباد گذر کرده. چون نزدیک بازار عاشقان رسیدند پدر در مهد استر با پسر سوار و غلامی سی با ایشان، از قضا چاکری از خواص خواجه پیش آمدشان سوار و راه تنگ بود و زحمتی بزرگ از گذشتن مردم، حصیری را چنان بست چنان‌که مستان را بندد که این سوار چرا فرود نیامد و وی را خدمت نکرد؟ مر او را دشنام زشت داد. مرد گفت: ای ندیم پادشاه مرا به چه معنی دشنام می‌دهی؟... غلامان حصیری در این مرد پریدند و وی را قفایی چند سخت قوی بزدند... و خواجه این را سخت خواهان بود که بهانه می‌جست بر حصیری تا وی را بمالد... من بر اثر استادم برفتم تا خانه خواجه بزرگ زحمتی دیدم و چندان مردم نظاره که آن را اندازه نبود یکی مرد را گفتم: حال چیست؟ گفت: بوبکر حصیری را و پسرش را خلیفه با جبه و موزه به خانه خواجه آورد و بایستاید و عقابین بردند...» (همان: ۱۷۶-۱۷۴).

۴) دنبال جزئیات باشد (حواشی):

اخبار حاشیه‌ای از زندگی بزرگان و چهره‌های سرشناس و اخبار پشت پرده، همیشه و در همه جا خریداران بسیاری داشته و دارد. یکی از مهارت‌های خبرنگاران



حرفه‌ای، توانایی در به دست آوردن اخبار حاشیه‌ای و پشت پرده است. بیهقی استاد کشف و ضبط این قبیل اخبار است. او ریزترین حرکات و سکناات درباریان و کارگزاران حکومتی را زیر نظر داشته و تعقیب می‌کرده‌است. در جاهایی که او را راه نبوده، از معتمدی می‌پرسیده تا از حقیقت ماجرا آگاه شود. وی نسبت به ریزترین اخبار هم بی‌اعتنا نبوده و همه را ثبت می‌کرده‌است. همین اخبار حاشیه‌ای است که جذابیت خاصی به کتاب او بخشیده؛ اما نکته مهم و اساسی این است که به هیچ وجه چیزی را کم و زیاد نمی‌کرده‌است. این خبرهای حاشیه‌ای هم درباره شخص سلطان مسعود است؛ مانند داستان خیشخانه هرات که در ضمن آن بیهقی خلق و خوی امیر مسعود در جوانی، حساسیت سلطان محمود نسبت به تربیت او و در عین حال زیرکی مسعود را در مقابل پدر شرح می‌دهد (همان: ۱۴۲-۱۳۹) و یا ریاضت‌ها و سختی کشیدن‌های مسعود در روزگار جوانی «چون زور آزمودن و سنگ گران برداشتن و کشتی گرفتن و آن چه به این ماند...» (همان: ۱۴۲) و هم چنین شکار شیر رفتن (همان: ۱۴۳) و یا قدرت شراب‌خواری وی در مجلسی که کسی نتوانسته بیش از هجده ساتگین بنوشد و «امیر پس از این می خورد به نشاط و بیست و هفت ساتگین نیم‌منی تمام شد و برخاست و آب و تشت خواست و مصلاهی نماز و دهان بشست و نماز پیشین بکرد و نماز دیگر و چنان می نمود که گفتی شراب نخورده‌است» (همان: ۶۲۷) و بیهقی تأکید می‌کند که: «و این همه به چشم و دیدار من بود که بوالفضل» (همان: ۶۲۸) و هم در مورد بزرگان دربار؛ از زیرکی خواجه احمد میمندی که او را «بیست و سی قبا بود...یک‌رنگ که یک سال می پوشیدی و مردمان چنان دانستندی که یک قباست و گفتندی: سبحان الله این قبا از حال بنگرد» (همان: ۱۷۰) تا اختلاف نظر بین وزیر و سلطان مسعود: «امیر چون این نامه بخواند، در حال مرا گفت که این مرد خرف شده‌است و نداند که چه می گوید. جواب نویس که صواب این است که ما دیده‌ایم» (همان: ۶۳۱) و جزئیات مربوط به

بازداشت امیرمحمد: «و بسیار نامردمی رفت در معنی تفتیش و زشت گفتندی و جای آن بود که علی ای حال فرزند محمود بود و امیر مسعود چون بنشینید نیز سخت ملامت کرد بکتگین را، ولیکن بازجستی نبود» (همان: ۹۷) و یا جزئیات اعدام حسنگ (همان: ۱۹۸-۱۹۷) و حوادث قبل (همان: ۱۹۶-۱۹۱) و پس از آن (همان: ۹۹). حتی اختلاف نظر بین فرماندهان نظامی در کشاکش جنگ هم از دید بیهقی پنهان نمانده است:

«بوالحسن عبدالجلیل گفت: خداوند را هم در این گرمی فرسنگی دو نباید رفت بر اثر هزیمتیان و رنجی دیگر بکشید تا یکبارہ باز رهد و منزل آن جا کند. سپاهسالار بانگ بر او زد و میان ایشان بد بودی و گفت در جنگ نیز سخن برانی؟ چرا به اندازه خویش سخن نگویی و دیگر مقدمان همین گفتند و امیر را ناخوش نیامد و بوالحسن خشک شد و پس از آن پیدا آمد که رای درست آن بود که آن بیچاره زد» (همان: ۵۴۱-۵۴۰).

همچنین شایعات مربوط به مرگ بونصر مشکان را هم از قلم نمی‌اندازد: «و گفتند که شراب کدو بسیار دادندش با نبیذ آن روز که به آن باغ بود میهمان نائب و از آن نائب پنج هزار دینار بستد امیر» (همان: ۵۶۱).

۵) ارتباط خوب داشته باشد: گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی یکی از مؤثرترین اسباب کشف خبر در حرفه خبرنگاری «ارتباط» است. آشنایی با افراد سرشناس و یا کسانی که به مقامات دسترسی دارند، می‌تواند عامل مهمی برای دستیابی به اخبار باشد. بیهقی به دلیل کار در دیوان رسایل با تمام مقامات حکومتی به نوعی ارتباط داشته و از همین ارتباط برای کسب خبر از جلسات خصوصی بهره برده است:

«و این اخبار به این اشباع که می‌برانم از آن است که در آن روزگار معتمد بودم و بر چنین احوال، کس از دبیران واقف نبودی مگر استادم بونصر رحمه‌الله نسخت کردی و ملطفه‌ها من نوشتمی» (همان: ۵۲۱).

به این ترتیب مهم‌ترین منبع خبری بیهقی از جلسات محرمانه، بونصر مشکان است که رئیس دیوان رسالت بوده‌است. جمله «از خواجه بونصر شنودم» بارها در تاریخ بیهقی تکرار شده‌است (همان: ۴۱۸ و ۳۰۵ و ۲۳۹ و ۱۶۵ و ۹۱)؛ چنان‌که پس از فوت بونصر، می‌نویسد: «و باقی تاریخ چون خواهد گذشت که نیز نام بونصر نبشته نیاید» (همان: ۵۶۲). احمد عبدالصمد وزیر، نیز از دیگر منابع خبری مهم اوست. از آن گذشته، وی با برقراری ارتباط صمیمانه با دوستان نزدیک یا زبردستان محرم مقامات، از بسیاری از ریزترین و محرمانه‌ترین اخبار هم آگاهی می‌یافته‌است؛ افرادی مانند معتمد عبدوس: «و معتمد عبدوس گفت: روز پس از مرگ حسنک از استادم شنودم که امیر بوسهل را گفت حجتی باید کشتن این مرد را...» (همان: ۱۹۱)؛ خواجه عمید عبدالرزاق، پسر خواجه احمد میمندی:

«و از خواجه عمید عبدالرزاق شنودم که این شب که دیگر روز آن حسنک را بردار می‌کردند بوسهل نزدیک پدرم آمد نماز خفتن. پدرم گفت چرا آمده‌ای؟ گفت نخواهم رفت تا آن گاه که خداوند بخشید که نباید رقتی نویسد به سلطان در باب حسنک به شفاعت...» (همان: ۱۹۶).

بوابراهیم قاینی، کدخدای خواجه احمد: «و از ثقات او شنیدم چون بوابراهیم قاینی کدخدایش و دیگران که بیست و سی قبا بود او را یک‌رنگ...» (همان: ۱۷۰)، علی رابض، پیشکار بوسهل زوزنی: «هرچند می‌شنودم از علی پوشیده وقتی مرا گفت که هر چه بوسهل مثال داد از کردار زشت در باب این مرد از ده یکی کرده آمدی» (همان: ۱۹۱)، عبدالرحمن قوال، مطرب مخصوص امیرمحمد: «از عبدالرحمن قوال شنودم، گفت امیر محمد دو سه روز چون متحیری و غمناکی می‌بود...» (همان: ۴۵) و نیز

بوالحسن حرلیبی، از مختصان بوسهل (همان: ۱۹۹) و مسعدی، وکیل در خوارزمشاه (همان: ۸۸)؛ هم‌چنان‌که برای آگاهی از اخبار مربوط به حرم‌سرا از زنان مطرب کمک می‌گیرد: «و من که بوالفضلم از ستی زرین مطربه شنودم...» (همان: ۳۷۷). «ستی زرین و عندلیب مرا حکایت کردند که...» (همان: ۴۰۳).

۶) جملات کوتاه بنویسد:

از آن‌جا که هدف مطلب خبری، جلب مخاطب است، خبرنگار باید اطلاعات جمع‌آوری شده دربارهٔ رویداد را با جملات کوتاه، رسا و در عین حال، پرمعنی ارائه کند (نصراللهی: ۱۲۵) و مراقب باشد که در متن خبر دچار حاشیه نشود. این ویژگی را در خبرهای ارائه‌شده از سوی بیهقی نیز می‌بینیم؛ چنان‌که وقتی دربارهٔ تقسیم موقت مشاغل درباری - پیش از رسیدن سلطان مسعود به بلخ - میان اطرافیان سلطان سخن می‌گوید، با استفاده از جملات کوتاه و با پرهیز از اطناب و حاشیه‌پردازی، ما را با موقعیت نزدیکان مسعود آشنا می‌کند:

«و درین راه، خواجه بوسهل حمدوی می‌نشست به نیم ترک دیوان و در معاملات سخن می‌گفت که از همگان او بهتر دانست و نیز حشمت وزارت گرفته بود و امیر [وی را] به چشمی نیکو می‌نگریست و خواجه بوالقاسم کثیر نیز به دیوان عرض می‌نشست و در باب لشکر امیر سخن با وی می‌گفت و از خواجه‌گان درگاه و مستوفیان، چون طاهر و بوالفتح رازی و دیگران نزدیک بوسهل حمدوی می‌نشستند و شغل وزارت بوالخیر بلخی می‌راند که به روزگار امیر ماضی، عامل ختلان بود و طاهر و عراقی بادی در سر داشتند بزرگ و بیشتر خلوت‌ها با بوسهل زوزنی بود...» (بیهقی: ۱۱۴).

نمونه‌های دیگری از ایجاز خبری بیهقی را مرور می‌کنیم: «و هر روز پیوسته ملطفه می‌رسید از جانب لشکر غزنین که چه می‌کنند و چه می‌سازند و بر موجب آنچه خداوند فرمودی، کار می‌ساختند» (همان: ۷۸)، «و استادم خواجه بونصر

سخت ترسان بود و به دیوان رسالت نمی‌نشست» (همان: ۹۰)، «و شغل درگاه همه بر حاجب غازی می‌رفت که سپاه‌سالار بود و ولایت بلخ و سمنگان او داشت» (همان: ۱۵۴).

۷) به دنبال نقل قول‌های طلایی باشد:

سخنان بزرگان دربارهٔ یکدیگر یا در مورد امور مملکتی گاهی فراتر از سخنان معمولی و جملاقی طلایی و ماندگار است؛ به گونه‌ای که حتی ممکن است چنان این سخنان مشهور شود که بعدها به صورت ضرب‌المثل درآید. یک خبرنگار حرفه‌ای در سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها، جلسات محرمانه و غیر محرمانه ... باید با ذکاوت و هوشیاری این نقل قول‌ها را به چنگ آورده و آن را ثبت کند. بیهقی به لطف هوش سرشارش از پس این کار به خوبی برآمده است. از جمله بزرگانی که بیهقی نقل قول‌های طلایی از آن‌ها ذکر کرده است، یکی خواجه احمد میمندی است: «این کشخانک و دیگران چنین می‌پندارند که اگر من این شغل پیش گیرم ایشان را این وزیری کردن پوشیده برود» (همان: ۱۶۷). «این خداوند بس سخن شنو آمد» (همان: ۲۳۹). «در همه کارها ناتمامی...» (همان: ۱۹۵).

و دیگر حسنک: «جهان خوردم و کارها راندم و عاقبت کار آدمی مرگ است. اگر امروز اجل رسیده است، کس باز نتواند داشت که بر دار کشند یا جز دار» (همان). «زندگانی خواجه بزرگ دراز باد. به روزگار سلطان محمود به فرمان وی در باب خواجه ژاژ می‌خاییدم که همه خطا بود» (همان: ۱۹۶).

۸) ویرایش کند:

از آن‌جا که خبرنگاران، معمولاً کار خبری را با یادداشت خلاصهٔ مطالب مورد نظر، آغاز می‌کنند، تنظیم دقیق این یادداشت‌ها و ویرایش مطلب به دست آمده، برای رسایی بیشتر موضوع خبر، از ضروریات محسوب می‌شود. بیهقی نیز در

طول سالیانی که در دیوان به کار مشغول بوده، وقایع مهم را با ذکر تاریخ دقیق یادداشت می‌کرده و با تنظیم این یادداشت‌ها، اثر خود را پدید آورده‌است:

«و مرا که بوالفضل، این روز نوبت بود. این همه دیدم و بر تقویم این سال تعلیق کردم» (همان: ۲۳۴). «و گواه عدل برین چه گفتم، تقویم‌های سال‌هاست که دارم با خویشان، همه به ذکر این احوال ناطق» (همان: ۵۲۲).

علاوه بر آن، با توجه به این‌که الگوی او در نویسندگی، بونصر مشکان بوده که به گفته بیهقی «از تهذیب‌های محمودی» به چنان تبحری دست یافته بوده‌است (همان: ۱۰۱)، یقیناً خود او نیز از این شیوه پیروی می‌کرده و دائماً در تهذیب و پیرایش نوشته‌های خویش می‌کوشیده‌است. یک‌دست بودن متن تاریخ بیهقی، نشان‌دهنده ویرایش دائمی او در نقل مطالب است و هنگام تدوین نهایی کتاب، سعی دارد هر قصه و ماجرا را در جای مناسب خود، قرار دهد: «و چون قصه آل تباغان بگذشت، اینک نامه‌ها و مشافهه‌ها این جا ثبت کنم تا بر آن واقف شده آید» (همان: ۲۲۰). «مرد را تباہ کردند تا از راه راست بگشت و راه کژ گرفت؛ چنان‌که پس از این آورده آید، به جای خود» (همان: ۲۷۶). «چون از این قصه فارغ شدم، آن‌چه وعده کرده بودم از نبشتن نامه خلیفه و نسخت عهد، وفا باید کرد» (همان: ۲۹۸).

ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۹) منصف باشد و غرض‌ورزی نکند:

یک خبرنگار حرفه‌ای باید مراقب باشد که در نقل مطالب از جاده انصاف خارج نشود، بی‌طرفی را رعایت کند و احساسات شخصی را درباره اشخاص در کار خود دخالت ندهد. این ویژگی را در بیهقی نیز به‌خوبی مشاهده می‌کنیم. بیهقی در جای‌جای کتابش تصریح می‌کند که نمی‌خواهد نظرات و احساسات مثبت و منفی خود را درباره افرادی که موضوع خبرند، دخالت دهد و مراقب است که سخنی نگوید که «به تعصبی و تزیدی کشد» (همان: ۱۹۰). کوشش بیهقی برای



رعایت بی‌طرفی و انصاف در مورد افراد، هم شامل شخصیت‌های منفی کتابش می‌شود و هم شخصیت‌های مثبت. وقتی درباره بوسهل زوزنی حرف می‌زند، با این که «از بوسهل جفاها دیده» (همان: ۱۶۸)، می‌گوید: «این بوسهل مردی امام‌زاده و محتشم و فاضل و ادیب بود، اما...» (همان: ۱۹۰)؛ هم‌چنانکه درباره سوری، صاحب دیوان خراسان، با همه انتقادی که از ظلم و جور وی دارد، می‌گوید: «سوری مردی متهور و ظالم بود، چون دست او را گشاده کردند بر خراسان، اعیان و رؤسا را برکند و مال‌های بی‌اندازه ستند و آسیب ستم او به ضعفا رسید» (همان: ۴۲۵)، می‌گوید:

«با ستمکاری مردی نیکو صدقه و نماز بود و آثارهای خوش وی را به طوس هست... و به نشابور مصلی را چنان کرد که به هیچ روزگار کس نکرده بود از امرا و آن اثر بر جای است... و به رباط فراوه و نسا نیز چیزهای با نام فرمود و بر جای است» (همان).

از سوی دیگر، وقتی درباره استادش، بونصر مشکان، سخن می‌گوید، باز هم بی‌طرفی را رعایت می‌کند:

«و بونصر مردی محتشم بود و حدود را نگاه‌داشتی و با مردم بر سبیل تواضع نمودن و خدمت کردن سخت نیکو رفتی... و با آن که چنین حدود نگاه‌داشتی، لجوجی بود از اندازه گذشته که البته رضا ندادی، وهنی به جای وی و دیوان بازگشتی» (همان: ۳۷۱).

همین‌طور از بیان خطاهای سلطان مسعود نیز چشم نمی‌پوشد:

«اما هم بایستی که امیر - رضی الله عنه- در چنین ابواب تثبت فرمودی و سخت دشوار است بر من که بر قلم من چنین سخن رود و لکن چه چاره است در تاریخ محابا نیست آنان که با ما به آمل بودند اگر این فصول بخوانند و داد خواهند داد، بگویند که من آنچه نبشتم برسم است...» (همان: ۴۳۷).

منصف بودن بیهقی در کار خبرنگاریش، شامل نقل مطالبی درباره خودش هم می‌شود. او وقتی درباره خود سخن می‌گوید، نمی‌خواهد خود را یک‌سره، مبرا از خطا و لغزش نشان دهد و این بی‌طرفی را در مورد خود هم رعایت می‌کند: «و پس از وی کار دیگر شد که مرد بگشت و در بعضی مرا گناه بود و نوبت درشتی از روزگار در رسید و من به جوانی به قفص بازافتادم و خطاها رفت تا افتادم برخاستم» (همان: ۵۶۶).

۱۰) حواسش جمع باشد و دقت کند:

آخرین ویژگی ارائه‌شده برای یک خبرنگار، دقت در جمع‌آوری اخبار و نقل مطالب است. رد پای این ویژگی خبرنگاری را در جای‌جای کتاب بیهقی می‌توان دید. بیهقی با هوش سرشار و شامه تیزش، حواس خود را کاملاً جمع‌کارش کرده، با دقت فراوان همه چیز را دنبال می‌کرده و می‌کوشیده‌است که هیچ نکته‌ای از دید او پنهان نماند:

«سلطان مسعود رضی الله عنه خلوت کرد با وزیر و آواز پس از آن برآمد و منکر برآمد و نه آن‌که من و یا جز من بر آن واقف گشتندی بدان چه رفت در آن مجلس؛ اما چون آثار ظاهر می‌شد از آن‌چه گروهی را شغل‌ها فرمودند و خلعت‌ها دادند و گروهی را برکنندند و قفا بدریدند و کارها پدید آمد، خردمندان دانستند که آن همه نتیجه آن یک خلوت است...» (همان: ۱۷۰).

نتیجه

تاریخ بیهقی از مهم‌ترین متون نشر ماست که قرن‌هاست اهمیت خود را به لحاظ ادبی و تاریخی حفظ کرده‌است. یکی از جنبه‌های اهمیت بیهقی در این کتاب «خبرنگاری» اوست که تا به حال به آن توجه نشده‌است. این مقاله، ضمن تبیین این ویژگی بیهقی، با توجه به تعاریف «خبر» و «خبرنگار» کوشیده‌است تا شرایط ارائه‌شده برای یک خبرنگار در دنیای امروز را در کار بیهقی بیابد و با تطبیق

تک تک این ویژگی‌ها با اثر بیهقی، ابوالفضل بیهقی را علاوه بر آنچه تا به حال به‌عنوان نویسنده، تاریخ‌نگار، ادیب و... درباره او گفته‌اند، به‌عنوان اولین خبرنگار تمام‌عیار ایرانی اثبات کند و بخش دیگری از راز جاودانگی اثر او را آشکار سازد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پي نوشت

- 1- Lyle Spenser
- 2- Mitegell. V. Charnly
- 3- Fernando Terrou

٤- ر.ک. (www.sohailasona.blogfa.com)



شماره ٥٤ پاییز ١٣٨٩

٢٩



پرويشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- اسلامی ندوشن، محمدعلی: «جهان بینی ابوالفضل بیهقی»، یادنامه ابوالفضل بیهقی، چ ۲، مشهد: دانشگاه فردوسی، ۱۳۷۴.
- انوری، حسن: **فرهنگ بزرگ سخن**، تهران: سخن، ۱۳۸۱.
- بینش، تقی: «روش علمی در کتاب بیهقی»، یادنامه ابوالفضل بیهقی، چ ۲، مشهد: دانشگاه فردوسی، ۱۳۷۴.
- بیهقی، ابوالفضل: **تاریخ بیهقی**، به تصحیح علی اکبر فیاض، مشهد: دانشگاه فردوسی، ۱۳۸۳.
- پروین گنابادی، محمد: «نکاتی راجع به تاریخ بیهقی»، یادنامه ابوالفضل بیهقی، چ ۲، مشهد: دانشگاه فردوسی، ۱۳۷۴.
- دهخدا، علی اکبر: **لغت نامه**، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
- فرزام، حمید: «ارزش اخلاقی تاریخ بیهقی»، یادنامه ابوالفضل بیهقی، چ ۲، مشهد: دانشگاه فردوسی، ۱۳۷۴.
- نصراللهی، اکبر: **اصول خبرنگاری**، چ ۷، تهران: سروش، ۱۳۸۷.
- نورانی وصال، عبدالوهاب: «شخصیت آلتوناش از نظر بیهقی»، یادنامه ابوالفضل بیهقی، چ ۲، مشهد: دانشگاه فردوسی، ۱۳۷۴.
- همایون؛ غلام سرور: «چند نکته درباره تاریخ بیهقی»، یادنامه ابوالفضل بیهقی، چ ۲، مشهد: دانشگاه فردوسی، ۱۳۷۴.
- یوسفی، غلامحسین: «هنر نویسندگی بیهقی»، یادنامه ابوالفضل بیهقی، چ ۲، مشهد: دانشگاه فردوسی، ۱۳۷۴.
- پایگاه اینترنتی: www.sohailasona.blogfa.com